

جمعه

ایران

• مدیر مسئول: محمدحسن روزی طلب  
• سردبیر: محمدصادق علیزاده  
• معاون فنی: محمدملاعلی اکبری  
• دبیر تحریریه: ونوس بهنود  
• دبیران:  
• سید پویا هاشمی حفظ آباد (گزارش و گفت و گو)  
• صادق رخ فرد (تاریخ)

• محمدعلی یزدانبار (کتاب)  
• آیه طائبی (زندگی)  
• فاطمه سادات رضوی (طنز)  
• سیده نرگس حسینی (زنان)  
• زینب فروزنده (زوم)  
• فاطمه کهریایی (فرهنگ)

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط  
• مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵  
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی  
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸  
• صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸  
• انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:  
۸۸۵۴۸۸۹۲-۵

## فمینیسم جنبش خوار

نحوه مواجهه متفاوت فمینیسم با جنبش های شکل گرفته در جهان

زهراسادات رضوی علوی  
کارشناس ارشد جامعه شناسی

در ادبیات فمینیستی، جنبش اجتماعی زنان همان جنبشی تعریف می شود که به دنبال احقاق حقوق زنان باشد و فمینیسم تلاش کرده است خود را تنها جریان مدافع حقوق زنان بداند. از این رو دائماً در تعریف خود دسته ها و گروه های جدیدی را اضافه می کند تا با هدف برابری زن و مرد، تمام دغدغه مندان و فعالان مسائل زنان را فمینیست بخواند. مشیرزاده در کتاب «از جنبش تا نظریه، تاریخ دو قرن فمینیسم» بیان می کند که ما با یک تعریف واحد از فمینیسم مواجه نیستیم و در طول یک قرن که از مطرح شدن این اصطلاح گذشته است با نظریه های مختلف و گاه متعارضی در تبیین فرودستی زنان، برداشت های متنوع از وضعیت مطلوب و آرمانی برای آنان، دستورکارهای متفاوت و بعضاً متضاد در جنبش و راه های متفاوتی برای رسیدن به اهداف مورد تأکید، مواجه هستیم.

فمینیسم در دوران مختلف، زنانه نگری را بر مکاتب فکری مختلف بار می کند و این جریان اجتماعی را به هیچ وجه نمی توان دانش ابداعی و جدیدی دانست بلکه می توان آن را تحولاتی سیاسی نامید که بسته به نوع گرایش ها فکری افراد، مسائل زنان و راه حل آن را در مکتب فکری لیبرالیسم دنبال می کند و یا آن را رادیکال، سوسیال و یا به شیوه پیست مدرن با تکثیرهای متعدد اسلامی، محیط زیستی و... همراه می کند.

همچنانکه فمینیسم دانش را مصادره می کند و به نفع خود و با لرنزن محوری به آن می نگرد دربارہ جنبش های اجتماعی نیز می توان آن را جنبش خوار دانست که هر جنبشی را که در جهان توسط زنان رقم بخورد و هدفش ارتقای وضعیت زنان باشد، به نام خود مصادره می کند و اگر جنبشی برای زنان و به نفع زنان باشد اما منطبق بر آموزه های فمینیستی نباشد براحتی بایکوت می کند. برای مثال جنبش های متعددی از زنان وجود دارد که کنش جدی و اثرگذار دارند؛ از جمله جنبش اسلامی «مرابطات»، جنبش «مقلوبه» در دفاع از فلسطین مظلوم، جنبش های ضد جنگ نظیر «کدپینک» که توسط زنان آمریکایی شکل گرفته است و یا اسلام خواهی و حجاب خواهی زنان مسلمان فرانسوی و جنبش هایی نظیر «به حجاب من دست نزن» که فمینیسم در برابر آنها سکوت می کند اما در دفاع از چندین نفر از مخالفان حجاب یک جریان رسانه ای قوی ایجاد می کند و در تمام رسانه های جهانی به آن ضربه می دهد و همزمان در مقابل راهپیمایی های متعدد معتقدان به حجاب در تشییع شهدا، ۲۲ بهمن و راهپیمایی باشکوه اربعین را به کلی نادیده می گیرد.

درواقع فمینیسم با تعریف ناقص از جنبش زنان، صنفی دیدن و محدود کردن آنها به مسائل زنان، توان آنها را در سایر عرصه های ظلم ستیزی، معنویت خواهی و دین مداری نادیده گرفته و بنا ندارد آنچه را واقعیت زنان است ببیند و یک جانبه دست به نمایش جنبش هایی می زند که قدرت خودش را بیشتر کند و زن در نگاه فمینیستی صرفاً زنی به رسمیت شناخته می شود که آورده سیاسی برای جنبش داشته باشد و زن کنش مند و مؤثر عرصه رقیب کتمان می شود. در این بین ادعای احقاق حقوق زنان است که در حد یک دروغ متزلزل باقی مانده است؛ واقعیتی که روز به روز بیشتری می شود و دیگر قابل کتمان نخواهد بود.

## چرا برابری جنسیتی حلال مشکلات زنان نیست؟



مرضیه شعریاف  
پروفسور، مدرس حوزه و دانشگاه

و اسناد بین المللی، برای کشورهای عضو، تعهداتی ایجاد می کند که باید در برابر آنها به جامعه جهانی پاسخگو باشند. بنابراین کشورهای داخلی یا اعتقادات دینی آنها همسو با مفاد این قراردادها نیست، امکان اجرایی کردن شان را ندارند. مفهوم برابری جنسیتی، وقتی قرار است حافظ منافع همه جنسیت ها (LGBTQ) و نه فقط مردان و زنان باشد، طبیعتاً با روح قوانین و شرعیات ما سازگار نیست. از آن گذشته، خلقت زنان و مردان به دلیل نقش های متفاوتی که در اجتماع و محیط خانوادگی برعهده دارند، متفاوت با یکدیگر صورت گرفته است. هر تکوینی متناسب با نقشی است که زن یا مرد باید ایفا کنند، در این صورت چگونه می توان برای تکالیف متفاوت، دم از حقوق برابر زد؟

کوتاه سخن اینکه، همکلامی با جامعه جهانی در صحبت از برابری جنسیتی، نه تنها برای احقاق حقوق زنان در جامعه و خانواده راهگشا نیست، بلکه در تناقض آشکار با سیستمی است که اسلام برای خانواده و جامعه طراحی کرده است. مهم است که ساخت نظر و عمل از یکدیگر تفکیک شوند. همچنین نمی توان با مبنای اندیشه ای غلط، به اصلاح امور دست زد و ما برای کنش مؤثر و اصلاح پایدار، نیاز به اندیشه درست و ذیل مبانی اسلامی داریم.

وام گیری از مفاهیم و اهداف بین المللی برای بهبود اوضاع حوزه های گوناگون در ایران، از قدیم ایام امر رایجی بوده؛ کما اینکه استفاده از توافقات و اسناد بین المللی و همراهی با جامعه جهانی در حوزه زنان، در اکثر دولت های پس از انقلاب نیز مطمح نظر بوده است. اینکه چرا ما به جای تکیه بر شناخت و بررسی ریشه های مسائل زنان در داخل و تلاش برای رفع آنها با توجه به عرف، شرع و مقتضیات ویژه کشور خودمان، باید الزاماً با کشورهای همسایه شومیم که شرایط مشابه با قوانین و عرف ما را ندارند، از نکات منفی این همکاری است. اما، از جهت دیگر نیز این هماهنگی، سبب می شود برخی غفلت ها در حوزه قانون گذاری یا عرف رایج در جامعه بازنگاری و بعضاً اصلاح گردد. از این رو اسناد و توافقات بین المللی هم فرصت و هم تهدیدی است که حوزه زنان با هوشمندی باید با آن مواجه شود.

از جمله مفاهیمی که مورد توافق جامعه جهانی در بحث جنسیت است، عبارت برابری جنسیتی است که به عنوان یکی از معیارهای توسعه در کشورهای مختلف سنجیده می شود. مفهومی که به ظاهر حکایت از برابر دانستن زن و مرد در امور و شئون مختلف و توجه به برخورداری یکسان هر دو از مناسبات عدالت دارد. با این حال توجه به چند نکته در این زمینه مهم است. برای درک و دریافت صحیح از عبارات و مفاهیم به کار برده شده در اسناد بین المللی، رجوع به تعریف سازمان مرجع از آن عبارت یا مفهوم الزامی است.

برابری جنسیتی به وضعیتی اطلاق می شود که در آن دسترسی افراد به امکانات و فرصت ها تحت تأثیر جنسیت آنها قرار نگرفته باشد. در این فرض، مفهوم جنسیت (gender)، به صورت موسع تعریف می شود و قرار است جنسیت، طیفی از گرایش ها باشد و مرد و زن دوسر این طیف قرار می گیرند و اینجاً دقیقاً اول اختلاف با این اسناد و ابتدای مخالفت ما با اجرایی کردن مفاد چنین تعهداتی است. پیوستن به معاهدات

پیوستن به معاهدات و اسناد بین المللی، برای کشورهای عضو، تعهداتی ایجاد می کند که باید در برابر آنها به جامعه جهانی پاسخگو باشند. بنابراین کشورهای داخلی یا اعتقادات دینی آنها همسو با مفاد این قراردادها نیست، امکان اجرایی کردن شان را ندارند. برای مثال مفهوم برابری جنسیتی، وقتی قرار است حافظ منافع همه جنسیت ها (LGBTQ) و نه فقط مردان و زنان باشد، طبیعتاً با روح قوانین و شرعیات ما سازگار نیست

